

ایران؛ نفوذ و اقتدار منطقه‌ای، کدام دیپلماسی؟

جواد مددی *

فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال هجدهم، شماره 1، پیاپی 69، بهار 1396؛ صفحات 63-33.

تاریخ پذیرش نهایی: 1396/02/30

تاریخ دریافت: 1396/02/15

چکیده

از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون، یکی از مهم‌ترین محورهای سیاست خارجی ایران، ضرورت بسط نفوذ منطقه‌ای بوده است. اگر چه طی این سال‌ها، دیپلماسی فرهنگی همواره جایگاه اصلی در پیشبرد اهداف منطقه‌ای ایران داشت، متعاقب وقوع بیداری اسلامی در خاورمیانه و شمال آفریقا در سال‌های پس از 2011 و به تبع آن شکل‌گیری تحولات امنیتی در منطقه، بازنگری در دیپلماسی منطقه‌ای ایران برای تحقق منافع بیش از پیش این کشور در حوزه سیاست خارجی ضرورت پیدا کرد. در همین راستا، مقاله حاضر در پی پاسخ‌گویی به این پرسش محوری است که «کدام دیپلماسی، منافع و اهداف جمهوری اسلامی ایران را در روند تحولات جدید منطقه محقق می‌کند؟»

در کلیت مقاله، این فرضیه مطرح شده که در تحولات پس از بیداری اسلامی، دیپلماسی هوشمند یعنی ترکیبی از به‌کارگیری قدرت سخت و نرم مناسب‌ترین راهبرد برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی ایران در منطقه است، همچنان‌که واکاوی سیاست خارجی ایران در منطقه از جمله کشورهای عراق و سوریه نشان می‌دهد این راهبرد مؤثرترین استراتژی برای بسط نفوذ ایران در منطقه است.

واژگان کلیدی

دیپلماسی هوشمند، ایران، سوریه، عراق، خاورمیانه، قدرت نرم، قدرت سخت، دیپلماسی عمومی



مقدمه

با وقوع تحولات بیداری اسلامی در کشورهای عربی خاورمیانه و شمال آفریقا موج دوم گذار از نظم پیشین منطقه‌ای در معادلات و روابط قدرت میان دولت‌های خاورمیانه، پس از موج اول این تحول یعنی لشگرکشی نظامی غرب به رهبری آمریکا به منطقه در سال 2003 و سرنگونی نظام بعث عراق روی داد. در نتیجه این تحولات، میان دولت‌های قدرتمند منطقه مانند ایران، ترکیه، عربستان و قدرت‌های فرامنطقه‌ای و بین‌المللی چون آمریکا و روسیه برای تأثیرگذاری بر روند تحولات به منظور گسترش حوزه نفوذ و پیشبرد منافع و اهداف سیاست خارجی خود در خاورمیانه و رفع تهدیدات برآمده از تغییرات در محیط امنیتی منطقه، رقابتی تمام‌عیار در جهت یارگیری متحدین جدید یا دفاع از حوزه‌های نفوذ سنتی در مسیر تکوین نظم جدید منطقه‌ای درگرفت.

در این میان، کشورهای سوریه و عراق، اصلی‌ترین حوزه‌های رقابت میان این قدرت‌ها را تشکیل داده‌اند، اگرچه نباید از سایر حوزه‌های رقابت‌پذیر اعم از یمن، لبنان یا افغانستان غافل شد. به‌رغم آنکه انتخاب گزینه‌های غیر دیپلماتیک چون تسلیح نیروهای نظامی و شبه‌نظامی نیابتی و حتی ورود مستقیم به عرصه‌های جنگ، بخش انکارناپذیری از تلاش این قدرت‌ها در جهت حفظ و گسترش حوزه‌های نفوذ بوده است با عنایت به محدودیت‌های موجود در به‌کارگیری ابزار نظامی‌گری به دلیل مخالفت و امکان مقابله به مثل رقبا و در نتیجه، برافروختن آتش جنگی بزرگ با ابعاد فرامنطقه‌ای و ثانیاً تجربه‌های ناموفق گذشته در استفاده از این ابزار به منظور گسترش حوزه نفوذ، توسل به روش‌های دیپلماتیک هیچ‌گاه به‌طور کامل نادیده گرفته نشده‌اند. لذا عرصه جنگ دیپلماتیک و به‌کارگیری و استفاده بهینه از ابزارهای موجود در این عرصه از جمله حوزه نظامی نیز به‌شدت فعال بوده است. بر این اساس، یکی از دغدغه‌های مهم دولت‌های قدرتمند منطقه از جمله ایران، برنامه‌ریزی برای تدوین مناسب‌ترین



شیوه‌های پیشبرد اهداف سیاست خارجی در منطقه با عنایت بر استفاده از همه امکانات و ظرفیت‌های موجود در این فرایند بوده است.

با نظر به این تفاسیر، پژوهش حاضر در پی پاسخ‌گویی به این پرسش اساسی است که چه راهبردی پاسخ‌گوی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوره جدید تحولات منطقه است؟ بر این اساس، با توجه به دامنه وسیع متغیرهای اثرگذار بر روابط کشورها و همچنین خارج شدن دیپلماسی از حالت سستی خود لازم است مجموعه‌ای از ابزارهای قدرت سخت و نرم در قالب دیپلماسی هوشمند در عرصه سیاست خارجی ایران به‌کار گرفته شود تا مبتنی بر شرایط خاص هر کشور یا منطقه، بهترین راهبردها و تاکتیک‌ها در دستور کار نهادهای مربوطه قرار گیرد. همچنان‌که در سال‌های اخیر نیز استفاده آرام و تدریجی از این دیپلماسی به شکل جدی از سوی تصمیم‌سازان حوزه سیاست خارجی ایران مورد توجه بوده است که از نشانه‌های آن می‌توان به فعال‌تر شدن نیروی قدس سپاه پاسداران (قدرت سخت) به‌عنوان بازوی نظامی سیاست‌های وزارت خارجه (قدرت نرم) در عرصه تحولات منطقه از جمله در سوریه و عراق اشاره کرد.

برای پرداختن به این فرضیه در کلیت نوشتار حاضر تلاش شده الگویی عینی از این دیپلماسی در سیاست خارجی ایران در عرصه تحولات اخیر خاورمیانه به‌ویژه سوریه و عراق ترسیم شود. در همین راستا، نخست به تشریح معنا و کاربرد دیپلماسی هوشمند به‌عنوان رویکردی نوین در فن دیپلماسی و سیاست خارجی پرداخته می‌شود و در ادامه، پتانسیل‌های قدرت نرم و سخت در مبانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به‌ویژه در دو کشور عراق و سوریه بیان خواهد شد.

1. دیپلماسی هوشمند

بر اساس نگرشی واقع‌گرایانه، کشورها در چرخه‌ای به‌نام چرخه سیستمی قدرت

درگیر هستند که در آن، هر کدام از واحدها دارای جایگاه خاصی خواهند بود. این موضوع یعنی چرخه قدرت و همچنین پیامدهای آن بر رفتار کشورها در سیستم بین‌الملل، موضوع آثار متعددی در روابط بین‌الملل بوده است. بر این اساس، واحدهای سیستم بین‌الملل برای تحقق اهداف و منافع ملی خود از ابزارهای متعددی بهره می‌برند. در چنین سیستمی به دلیل فقدان دولت مرکزی و ماهیت آنارشی، این واحدها خودیار هستند و تحقق منافع آنها بر توانایی‌های فردی مبتنی است. در این میان، دیپلماسی از ابزارهای خودیاری است که در طول تاریخ، واحدها و کشورها بر آن تکیه زده‌اند؛ اگرچه همیشه تحت محدودیت‌های شدیدی شکل گرفته است (قاسمی، 1391: 10).

مورگنتا دیپلماسی را دارای چهار خصیصه اساسی می‌داند: «1. تعیین اهداف خود با توجه به قدرتی که به‌طور بالفعل و بالقوه در اختیار دارد؛ 2. برآورد نمودن اهداف سایر دولت‌ها و قدرت بالفعل و بالقوه آن‌ها؛ 3. تعیین میزان سازگاری اهداف مختلف؛ 4. به‌کارگیری ابزار مناسب برای دستیابی به اهداف خود» (مورگنتا، 1374: 648).

با نظر به این محدودیت‌ها و خصیصه‌ها و همچنین شکل‌گیری تحولات جدید در سطح منطقه و بین‌الملل از جمله مفاهیم جدیدی که در عرصه روابط بین‌الملل مطرح شده، طرح قدرت هوشمند است. ناکارآمدی قدرت سخت و محدودیت‌های قدرت نرم، نظریه‌پردازان سیاسی را به چاره‌جویی نظری درباره اعمال قدرت در فضای پیچیده جهانی شدن واداشته که حاصل این تلاش فکری، تولد پدیده‌ای مفهومی به‌نام قدرت هوشمند بوده که نخستین اصل آن، بهره‌گیری از قدرت هوشمند است.

ناکارآمدی انحصاری کاربرد هر یک از قدرت‌های نرم یا سخت در روابط بین‌الملل نشان داد که بهترین انتخاب یک کشور، سیاستی است که ترکیبی از قدرت نرم و قدرت سخت باشد و همراه با اعمال زور، اقناع نیز به کار رود.



بنابراین مفهوم قدرت هوشمند که نخستین بار توسط جوزف نای مطرح شد پاسخی بود به ناکامی‌هایی که در مؤلفه قدرت نرم و قدرت سخت در گذار و گذر زمان تجربه شده و امروزه در پرتو موج اثرگذار و دگرگون‌کننده جهانی‌شدن و انقلاب ارتباطات به راهبردی کلیدی برای تبیین و درک پیچیدگی سیاست جدید جهانی تبدیل شده است. توان ترکیبی قدرت هوشمند از مؤلفه‌های ضروری امروز سیاست جدید جهان محسوب می‌شود و در امتزاج و آمیختگی قدرت نرم و قدرت سخت به دست می‌آید. رویکرد قدرت هوشمند مستلزم انعطاف در ماهیت تغییر است؛ البته افزایش کیفی در بالا بردن توان ذهنی کارگزاران و حرفه‌ای عمل کردن آنان، مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده در این فرایند به حساب می‌آید و ذهن‌های خلاق و پردازشگر، مهم‌ترین و اساسی‌ترین کانون‌ها در تبیین استراتژی قدرت هوشمند هستند که قدرت نرم و سخت در آن شکل می‌گیرد (قربانی شیخ‌نشین و دیگران، 1391: 138)

قدرت هوشمند در این چارچوب به معنای توسعه یک راهبرد عمل‌گرایانه مبتنی بر منابع و ابزارهای مناسب برای تحقق اهداف در قرن جدید است و ضمن این‌که قدرت نظامی را تولید می‌کند بر ائتلاف، همکاری و کارکرد نهادها در تمامی سطوح برای افزایش نفوذ و نهادینه کردن مشروعیت در سطح جهانی نیز توجه دارد. بر این اساس، شاخص‌های کارکردی را که موجب می‌شود قدرت هوشمند در فضای جدید، کارآمدی و اثرگذاری مطلوب نسبت به دیگر اشکال قدرت داشته باشد، می‌توان این‌گونه برشمرد: سازکارهای رسانه‌ای، مدیریت افکار عمومی، ایجاد تصویر مطلوب، اندیشه حکمرانی موفق، مشارکت و همگرایی، افزایش قابلیت‌های اقتصادی و استراتژیک و نظامی (قربانی شیخ‌نشین و دیگران، 1391: 147-141). بر این اساس، دیپلماسی شبکه به دنبال شناسایی دو قدرت نرم و سخت در درون شبکه و ارائه راهبردهای مهم در ترکیب آنها و سرانجام تبدیل آنها به کنش‌های راهبردی منطقه‌ای می‌باشد.

2. مؤلفه‌های دیپلماسی هوشمند ایران

طی سال‌های پس از وقوع بیداری اسلامی در منطقه، سیاست خارجی ایران آهسته و پیوسته به سمت یک وضعیت و نقش فوق‌العاده در خاورمیانه پیش رفته که نتیجه آن، گسترش نفوذ تهران از غرب آسیا تا شمال آفریقا بوده است. در طول این سال‌ها، گستردگی حوزه بازیگری ایران سبب شده این کشور با بهره‌گیری از تمام پتانسیل‌های بالقوه و بالفعل خود، الگوی منحصر به فردی را برای تحقق اهداف مدنظر خود ارائه کند تا از طریق آن بتواند قدرت سخت خود را به موازات ابزارهای قدرت نرم برای افزایش وجهه و اعتبار کشور به کار گیرد. در همین راستا، جمهوری اسلامی ایران تا کنون در موارد متعددی از ترکیبی از ابزار دیپلماتیک به همراه ابزار اقتصادی، نظامی، حقوقی، سیاسی و فرهنگی بهره برده و موفق عمل کرده است. پیگیری چنین رویکردی، تا حدی به دلیل وجود دشمنان غیرمتعارفی بوده که مقابله با آن‌ها، مستلزم وجود رویکردهای متنوع در استراتژی و سیاست است تا در پرتو آنها، ایران بتواند مهارتش را در پاسخ به بحران‌های منطقه‌ای و تعمیق نفوذ خود افزایش دهد؛ مضاف بر آنکه امروزه دیپلماسی از حالت سنتی آن که مذاکره اسناد و حضور در نشست‌های دیپلماتیک بود، خارج شده و عرصه‌های جدیدی چون بهره‌گیری از فن‌آوری، مشارکت بخش خصوصی و دولتی، انرژی، اقتصاد، شبکه‌های اجتماعی و حتی در صورت لزوم استفاده از قدرت نظامی را نیز در برمی‌گیرد که در واقع نقش مکمل را نسبت به دیپلماسی سنتی ایفا می‌کنند. برای تحقق این هدف نیز قدرت سخت در گونه‌های متمرکز، گسترده، توزیعی و جمعی شناسایی شد و به‌طور همزمان با بهره‌گیری از شناسایی الگوی ارتباطی قدرت نرم مورد استفاده قرار گرفت که نمونه‌های مختلف آن را می‌توان در الگوی سیاست خارجی ایران در بسیاری از کشورهای منطقه از جمله عراق، سوریه، یمن و لبنان مشاهده کرد. چنان‌که در این کشورها، ایران به موازات بهره‌گیری از ابزارهای قدرت نرم به تقویت بنیان‌ها



و ساختارهای نظامی خود در آنها پرداخته است تا بتواند به موازات یکدیگر سیاست‌ها و منافع خود را در رقابت با سایر رقبای منطقه‌ای پیش ببرد.

1-2. بهره‌گیری از قدرت نرم

از منظر دیپلماسی هوشمند، قدرت نرم در قالب دیپلماسی عمومی، وظیفه مشروع‌سازی نظم مد نظر کشورها را برعهده دارد. با توجه به اصول مذکور، قدرت نرم در قالب دیپلماسی عمومی به دنبال معنا بخشیدن به برخی واقعیت‌ها یا خلق واقعیت‌های جدید از کانال‌های رسمی دولتی و غیردولتی است. در این الگو، دیپلماسی از طریق فرایندهای شناختی، مشروعیت بخشیدن به الگوهای ایجاد یا ایجاد الگوهای نوین از رفتارها را برعهده می‌گیرد؛ به نحوی که دیپلماسی عمومی به‌طور ضمنی رابطه متقابل مردمان با یکدیگر و همزیستی مربوط به روابط بین‌المللی در جهان را به رسمیت می‌شناسد و از این طریق به خلق و مشروع‌بخشی به الگوهای نوین از جمله الگوهای نوینی از نظم کمک می‌نماید.

با توجه به اهمیت تعریف و به‌کارگیری قدرت نرم در دیپلماسی کشورها، ایران نیز تا کنون سطح گسترده‌ای از ابزارهای قدرت نرم را به‌کار گرفته است تا قدرت معنوی خود را تقویت و اتحاد و شراکت را بین مسلمانان و دنیای پیرامونی ایجاد کند. محوریت به‌کارگیری چنین ابزاری نیز تعریف ایدئولوژی انقلاب ایران یا همان مقاومت اسلامی برای مردمان منطقه بوده تا در بستر آن بتواند مبارزه وجودی علیه نیروهای استعمارگر و افراط‌گرایان مذهبی را رهبری کند. در واقع ایران با بهره‌گیری از ابزارهای قدرت نرم اعم از اشتراکات مذهبی، زبانی، تمدنی، قومیتی و مناسبات اقتصادی و ... سعی کرده مقاومت و استقلال را طوری برای ملت‌های منطقه به تصویر بکشد که از مرزهای قومیتی فراتر رود. تهران همچنین به دنبال ایجاد ارتباط مذهبی با جوامع شیعه در سراسر جهان است که می‌تواند به عنوان پایگاه‌های خارجی حمایت از سیاست‌های ضد

استعماری و ضد استکباری عمل کنند. در واقع ایران در صدد است با ایجاد یک شبکه ملی شیعه متشکل از سوری‌ها، عراقی‌ها، افغان‌ها، پاکستانی‌ها، یمنی‌ها و ... فرصت‌های آینده را برای نفوذ نرم خود در سراسر منطقه و فراتر از آن ایجاد نماید. همچنان‌که وجود جریان‌های نهضتی تحت حمایت ایران نشان می‌دهد چگونه قدرت نرم ایران در راستای اهداف منطقه‌ای این کشور و جهان اسلام به کار گرفته شده‌اند. البته این موفقیت در نتیجه شکل‌گیری تصویر ایران به عنوان یک شریک قابل اعتماد، توانمند و اخلاقی در برای دولت - ملت‌های منطقه ایجاد شده که از پشتوانه الهی و تاریخی نیز برخوردار است. موفقیت‌های اخیر ایران در گسترش نفوذ خود در سوریه، عراق، یمن و ... که تنها نمونه‌هایی از پیگیری این سیاست در منطقه است، ناشی از موفقیت سیاست نرم ایران در همراه‌سازی حامیان خود در منطقه است. مجموعه این روندها که بیانگر اهمیت قدرت نرم در سیاست خارجی هوشمند ایران در منطقه است، از طرق مختلف و با بهره‌گیری از ابزارهای مختلفی شکل گرفته‌اند که نیازمند توسعه روافزون و بالا بردن اثربخشی آنها در میان ملت‌های منطقه است.

2-2. استفاده از قدرت سخت

بر اساس مؤلفه‌های دیپلماسی هوشمند، قدرت سخت وظیفه تجمیع و تبدیل قدرت بالقوه به بالفعل را به منظور دفاع از تمامیت سرزمینی و سایر منافع ملی حیاتی کشور برعهده دارد. در این راستا، سه سطح متمایز از قدرت سخت قابل شناسایی است: سطح نخست یعنی ایجاد تهدید در برابر تهدیدات مقابل که هدف عمده چنین تهدیداتی حفظ وضع موجود و جلوگیری از تغییر است. در سطح دوم، تهدیدات متوجه سرزمین و تمامیت سرزمینی کشور هستند و سطح سوم، جنگ‌های محدودی است که امکان بروز آن وجود دارد؛ در این سطح نیز قدرت نظامی وظیفه تدارک توان برای مقابله با آنها را برعهده خواهد داشت.



با توجه به اهمیت تهدیدات هر سه سطح برای امنیت کشور، در حالی که ایران به طور سنتی بر قدرت نرم تأکید داشته توانایی‌های جنگی این کشور مانند برخورداری از نیروی دریایی چریکی، نیروی موشکی قوی و برنامه هسته‌ای، نشان‌دهنده این است که این کشور توانایی‌های قدرت سخت در پیشبرد اهداف سیاست خارجی را نیز نادیده نگرفته است. ضمن آنکه حضور نظامی اخیر ایران در سوریه و عراق، اهمیت اساسی قدرت سخت را در شرایط خاص کنونی منطقه دو چندان کرده است؛ به نحوی که ایران برای کمک به سوریه و عراق در جنگ با داعش و حفظ دستاورها و منافع خود در این کشورها که حاصل هزینه‌های فراوان در دوره‌های طولانی مدت بوده است، برای اولین بار مشاوران نظامی خود را به سوریه و عراق فرستاد؛ موضوعی که نشان‌دهنده اهمیت قدرت سخت در سیاست‌های خارجی و دفاعی ایران است.

در راستای این سیاست، ایران به حمایت از جریان‌های نهضتی اعم از حزب‌الله و ... دست زده است؛ زیرا پشتیبانی از آنها به جمهوری اسلامی ایران این امکان را می‌دهد تا به پویایی‌های منطقه‌ای شکل دهد و نفوذ به و رای مرزهای خود را طرح‌ریزی نماید؛ همچنان که حزب‌الله در گرایش بازدارندگی ایران نقش کلیدی دارد و در بازدارندگی برای تهاجم احتمالی آمریکا یا اسرائیل به ایران نقش مهمی بازی می‌کند. حمایت از این گروه‌ها امکان انتقام‌جویی دشمنان را نیز مشکل می‌سازد. بنابراین از نگاه ایران، هدف از به‌کارگیری قدرت سخت در قالب دیپلماسی دفاعی یا تهاجمی، صعود در چرخه قدرت و رقابت راهبردی با سایر قدرت‌های رقیب است؛ زیرا این الگو در زمان حاکمیت نظم هژمونیک از کارآمدی برخوردار است. در این راهبرد، تهدید به استفاده از زور و در صورت لزوم استفاده گزینشی و محدود از زور، به صورت گسسته و کنترل‌شده صورت می‌گیرد و هدف نیز راضی کردن دشمن به پاسخ‌گویی به تقاضاها یا مذاکره است؛ در حالی که همزمان مدیریت بحران برای جلوگیری از

تشدید ناخواسته آن به بحران نظامی نیز مد نظر است. در واقع این نوع قدرت، نوعی پیوند بین حوزه نظامی و سیاسی است و فراهم‌کننده منابع قدرت در جهت اعمال سیاست‌ها و راهبردهای دفاعی کشور محسوب می‌شود. با توجه به همین اصل، جمهوری اسلامی ایران از قدرت سخت یا نظامی خود در قالب یک رفتار حساب‌شده استفاده کرده و حتی‌الامکان از انجام آن پرهیز می‌کند.

رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) در دو سخنرانی، نظر صریح خود را در مورد نگاه ایران به قدرت نظامی عنوان کردند. ایشان در سخنرانی خود در سال 1391 در دانشگاه افسری امام علی (ع) اعلام کردند که ایران «تهدید را با تهدید» پاسخ می‌دهد و در سخنرانی نوروز سال 1393 (خطابه سالانه ایشان) نیز فرمودند که «در برابر یک حمله از سوی دشمن ... در همان سطحی که به ما حمله کنند به آنها حمله خواهیم کرد» (CBS News, 2012). این مسئله از آن جهت اهمیت دارد که رویکرد تهران به قدرت سخت اغلب به حصول آثار روانی آن تأکید دارد تا فیزیکی و به همین دلیل اغلب خط‌مشی اطلاعاتی عملیات را در درگیری با دشمنان سرنوشت‌ساز می‌داند. در همین راستا نیز ایران همواره از فعالیت‌های نظامی-مانورها و نمایش نیروها استفاده می‌کند تا از شکل‌گیری یک جنگ نظامی با ابعاد وسیع جلوگیری شود.

3. دیپلماسی هوشمند و سیاست منطقه‌ای ایران

نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه یکی از مهم‌ترین مباحثی بوده که از ابتدای انقلاب اسلامی تا کنون مطرح است. بحث اشاعه انقلاب اسلامی در منطقه از سال‌های ابتدایی بعد از انقلاب 1357 به شکلی جدی مورد توجه بوده و گفتمان‌های حاکم بر سیاست خارجی ایران بر مبنای آن تنظیم شده‌اند؛ اما در شرایط جدید خاورمیانه، محیط متغیر و متحول خاورمیانه از یک سو و اهداف سیاست خارجی ایران از سوی دیگر ایجاب می‌کند که ایران به بازتعریف و

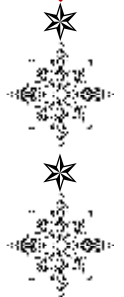


بازسازی دیپلماسی سنتی خود در این منطقه بپردازد. لذا ضرورت دارد همه ابعاد سیاسی، اقتصادی، امنیتی، نظامی و اطلاعاتی از طریق ابزارهای ادراکی، شناختی و اجرایی، در منطقه و فرامنطقه کنترل شود. هدایت و اعمال موفق دیپلماسی ایران در منطقه نیز مستلزم ایجاد اصلاحات و تغییرات ساختاری، شکلی و ابزارهای آن است. بنا بر همین ضرورت نیز تصمیم‌گیرندگان حاضر در عرصه سیاست خارجی با در نظر گرفتن کم و کاستی‌های سیاست‌های پیشین ایران به سمت دیپلماسی هوشمند مبتنی بر قدر نرم و سخت حرکت کردند؛ موضوعی که نشان می‌دهد سیاست خارجی ایران فرایندی تک‌وجهی نیست که بتوان آن را به یک متغیر کاهش داد. در این راستا، هویت، سیاست‌ها و درک رقابتی از مصلحت نظام یا منافع ملی، همگی نقش‌های حیاتی در روند سیاست خارجی ایران ایفا می‌کنند. در این میان، حتی ممکن است مقامات مختلف دولتی و اشخاص اثرگذار در سطوح بالای نظام نیز رویکردهای مختلفی در مورد برخی موضوعات سیاست خارجی داشته باشند، همان‌طور که چنین تفاوت‌ها و بحث‌هایی در هر کشوری در مورد این مسائل وجود دارد؛ اما در کل به نظر می‌رسد درون سیستم، اختلافات اندکی روی اصول اصلی سیاست خارجی وجود داشته باشد.

با این حال، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران اگرچه از لحاظ اصول و ارزش‌ها پایاست؛ اما از لحاظ تاکتیک‌ها و روش‌ها تغییرناپذیر نیست. همچنان‌که طی سال‌های اخیر توانسته از کشوری که ابزار تأثیرگذاری اصلی آن مبتنی بر قدرت نرم بود، به کشوری تبدیل شود که استراتژی متعادلی از قدرت نرم و سخت را دنبال می‌کند. در نتیجه چنین رویکردی، عناصر سیاست خارجی ایران می‌تواند بدون آنکه رویکرد کلی‌اش دچار تغییر شود، مبتنی بر فرایندها و تحولات خارجی تغییر شکل دهد. بنابراین می‌توان گفت سیاست خارجی ایران از لحاظ تاکتیکی انعطاف‌پذیر بوده و منحصرأ تک‌گام نیست. چنانکه از چندین گروه و جریان شیعی و کردی متفاوت در عراق حمایت کرده و به طور

همزمان از دولت عراق نیز پشتیبانی کند. در همین راستا ایران نه تنها از شیعیان بلکه از گروه‌های اهل تسنن مانند حماس و جهاد اسلامی فلسطین نیز حمایت می‌کند. معیارهای ایران در حمایت از دولت‌ها، ملت‌ها و جریان‌های مذهبی منطقه نیز بر اساس میزان همراهی آنها با اصول انقلاب اسلامی ایران فارغ از دین و مذهب، عرب و عجم و ... است. این اصول کلی عبارتند از حمایت از اتحاد جهان اسلام، آرمان فلسطین، مقابله عملی با رژیم صهیونیستی، مخالفت با نفوذ دولت‌های خارجی به‌ویژه آمریکا، مقابله با حکومت‌های ارتجاعی و ... بنا بر همین اصول نیز جمهوری اسلامی ایران با بهره‌گیری از همه پتانسیل‌های قدرت نرم و سخت خود به حمایت از دولت‌های عراق و سوریه، ملت‌های مصر، بحرین، یمن و همچنین جریان‌های نهضتی حزب‌الله لبنان، انصارالله یمن، حماس و ... پرداخته که مجموع آن به گسترش توان و نفوذ ایران در منطقه منجر شده است. دلایل این نفوذ نیز به دو ویژگی اصلی در دیپلماسی منطقه‌ای ایران مربوط است. نخستین ویژگی دیپلماسی منطقه‌ای ایران، اقتناع مخاطبان است؛ به نحوی که جمهوری اسلامی ایران توانسته با اندیشه‌ها و رفتارهای خود، مخاطبین را برای همراهی سیاست‌های خود قانع و ترغیب کند. این روش را که یک سرمایه‌گذاری است، می‌توان ترغیب نرم، کم‌هزینه و پایداری قلمداد کرد که مبتنی بر حسن‌جواری با همسایگان، افزایش ثبات و امنیت در منطقه، توسعه اقتصادی برای همگان، مبارزه با تروریسم، ایجاد صلحی فراگیر، محو جنگ‌طلبی و آثار مخرب آن است. به همین دلیل هم بهره‌مندی از قدرت و نفوذ نرم به یکی از دلایل موفقیت ایران در تحولات منطقه‌ای مبدل شده است.

ویژگی دوم دیپلماسی منطقه‌ای ایران به نحوه استفاده این کشور از قدرت سخت مربوط است. چنانکه روند حضور مستقیم نیروهای نظامی ایران در بحران‌های منطقه نشان می‌دهد که در وهله نخست، این حضور نظامی به خواست ملت‌ها و دولت‌های کشورهای بحران‌زده صورت گرفته و در مراحل



بعد با مدیریت صحیحی که در این خصوص انجام شده، حضور نظامی و مستشاری به ایران به رفع بحران‌های منطقه‌ای کمک کرده است.

در حال حاضر هر چند به‌کارگیری دیپلماسی هوشمند در سیاست خارجی ایران به یک رویه مرسوم تبدیل شده، اما ضروری است مؤلفه‌های عینی این رویه مورد اشاره قرار گیرد. با نظر به این تفاسیر، در مبحث حاضر روند به‌کارگیری دیپلماسی هوشمند به‌عنوان راهبرد منطقی سیاست خارجی ایران در کشورهای عراق و سوریه که تلفیقی از حمایت ایران از دولت‌ها، ملت‌ها و جریان‌های نهضتی با بهره‌گیری توأمان از ابزارهای قدرت سخت و نرم است به‌عنوان دو کانون اصلی تحولات در خاورمیانه مورد بررسی قرار گرفته است.

3-1. دیپلماسی هوشمند ایران در عراق

کشور عراق بدون تردید، مهم‌ترین همسایه ایران در عرصه سیاست خارجی محسوب می‌شود. از یک سو اهمیت این کشور از نظر امنیتی موجب شده تهران همواره با نگاهی ویژه به کنش‌های دولت عراق نگاه کند و از سوی دیگر، کشور عراق با دارا بودن جمعیت 60 درصدی شیعه و قرارگرفتن اماکن مذهبی شیعیان در آن، از اهمیتی فوق‌العاده برای جمهوری اسلامی ایران در سال‌های بعد از انقلاب برخوردار بوده است. فارغ از این دو مسئله، تحولات کشور عراق در سال 2003 که منجر به سرنگونی صدام حسین و رژیم بعث شد، مجالی نو را پیش روی سیاست خارجی ایران قرار داد تا بتواند دیپلماسی فعال‌تری را در برابر بغداد اتخاذ کند. بر همین اساس نیز تهران توجه خاصی به دو بخش حاضر در ساختار قدرت کشور عراق معطوف کرده است؛ در حالی که تهران در تثبیت و پیشبرد دیپلماسی هوشمند خود به روابط با شیعیان و حکومت مرکزی عراق توجه داشته، در پی گسترش نفوذ خود در میان کردها و حکومت اقلیم کردستان نیز بوده است. بر اساس همین سیاست نیز، در سال‌های پس از ظهور داعش در عراق، تهران در راستای حمایت از

منافع خود در این کشور به بهره‌گیری از قدرت سخت به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی دیپلماسی هوشمند ایران در عراق روی آورد؛ چنانکه در حال حاضر وزرات خارجه ایران تحت حمایت و پشتیبانی نیروی قدس سپاه توانسته دو بازوی اصلی پیگیری منافع ایران در عراق باشد.

1-1-3. حلقه‌های قدرت نرم ایران در عراق

مهم‌ترین بُعد نفوذ قدرت نرم ایران در عراق را در عرصه دیپلماسی هوشمند می‌توان در ارتباط با حوزه فرهنگی ارزیابی کرد. در این زمینه، دو مؤلفه قرابت مذهبی و نژادی مهم‌ترین ابزارهای ایران برای اثرگذاری بر جریان‌های سیاسی و اجتماعی حاضر در جامعه عراق هستند. از یک سو، اشتراک نژادی کردها با ایرانیان زمینه‌ای مناسب برای نفوذ بوده و از سوی دیگر، اشتراک مذهبی اکثریت جمعیت ایران و عراق، بستر لازم را برای پیشبرد دیپلماسی هوشمند ایران در عرصه قدرت نرم فرهنگی مهیا کرده است. بر همین اساس در قالب دو محور به بحث نفوذ فرهنگی ایران در عراق پرداخته خواهد شد.

الف) اشتراک مذهبی: قدرت نرم فرهنگی ایران در عراق از ابعاد و زمینه‌های گسترده‌ای برخوردار است که از مهم‌ترین آنها می‌توان به وجود مؤلفه مذهب شیعه به عنوان محور برقراری ارتباط ایران با جریان‌های شیعی اشاره کرد. چنانکه دو شهر قم در ایران و نجف در عراق مراکز آموزش‌های شیعی هستند که هر دو دارای حوزه‌های علمیه مهم می‌باشند و تبادلات و تعاملات فرهنگی و مذهبی میان آنها از اهمیت اساسی در روابط دو کشور برخوردار است (Haynes, 2009: 31) به نقل از: صادقی و عسگرخانی، (1390: 938).

این مسئله زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که به نفوذ ایران در عراق در سال‌های بعد از 2003 بر اساس مؤلفه تشیع نگاه شود. در حقیقت، نزدیکی مذهبی جریان اصلی حاکم بر بغداد با تهران موجب شد زمینه برای همکاری و



هماهنگی میان مقامات سیاسی دو کشور ایجاد شود؛ به‌ویژه آنکه ایران در سال‌های ابتدایی بعد از 2003 نقشی اساسی در تثبیت جایگاه و قدرت شیعیان عراقی داشت که تا آن زمان تجربه‌ای در حکمرانی نداشتند. یکی از مناسب‌ترین تحلیل‌ها از نفوذ ایران در عراق به واسطه اشتراک مذهبی را می‌توان در گزارش روزنامه نیویورک تایمز مشاهده کرد. این روزنامه در گزارشی تحلیلی عنوان می‌کند: «امروز منابع رسمی دولت شیعه عراق افرادی هستند که عموماً از لحاظ سیاسی، مذهبی و شخصی بیشترین وابستگی‌ها را به ایران دارند».

مجموع این روند نشان می‌دهد که اشتراک مذهبی، نقش مهمی در نزدیکی و نفوذ تهران در حکومت عراق داشته است؛ موضوعی که به دلیل نزدیکی و ارتباط حوزه علمیه قم و نجف و همچنین وجود اماکن مقدس شیعه در شهرهای مختلف عراق تقویت شده است. البته بهره‌گیری از این پتانسیل مشروط به آن است که روح ناسیونالیسم عربی به‌ویژه در دوران پساداعش بر گرایش مذهبی شیعیان عراق غلبه پیدا نکند؛ بنابراین کنش تهران باید به گونه‌ای باشد که در تضاد یا در تحقیر ناسیونالیسم عربی قرار نگیرد.

ب) اشتراک نژادی: دومین محور نفوذ فرهنگی ایران در عراق را می‌توان در ارتباط با اشتراک نژادی و تاریخ مشترک میان کردهای عراق با ایرانیان ارزیابی کرد. «از نگاه ایرانیان، کردها بخش مهمی از تاریخ سلسه حکومت‌های باستانی ایران از جمله امپراطوری مادها (728-550 ق.م)، هخامنشیان (550-331 ق.م)، اشکانیان (247 ق.م- 226م) و ساسانیان (226-936م) بوده‌اند. در همین رویکرد، زبان کردی یکی از زیر شاخه‌های زبان فارسی است و بیشتر در قالب یک گویش مطرح است تا زبان» (احمدی، 1378: 76).

ریچارد کوتام در میانه‌های قرن بیستم در ارتباط با جایگاه کردها در ایران عنوان می‌کند: «ایرانی‌هایی که ارتباط عمیقی با تاریخ دارند، بسیار خوب می‌دانند که ارتباط زیادی میان تاریخ آنان و تاریخ کردها وجود دارد. بر این اصل هم

تأکید می‌گذارند نه تنها کردهای ایران، بلکه تمامی کردها ایرانی بوده و هستند» (عبدالوللا همه‌مه‌کریم، 2013: 87). بنا بر همین نگاه، مردم ایران همواره نسبت به کردها احساس علاقه خویشاوندی داشته‌اند، همچنانکه رفتار دولت ایران نیز نسبت به کردها در مقایسه با رفتار دو دولت همسایه دیگر معتدل‌تر بوده‌است؛ هرچند نارضایتی در میان کردهای سنی وجود دارد و به‌ویژه از جانب نیروهای خارجی تشدید می‌شود (اشرف، 1383: 161).

از سوی دیگر کردهای عراق نیز با ارجاع به تاریخ، به اصالت ایرانی بودن خود همواره اعتراف کرده‌اند. در مجموع، حس تعلق نژادی و فرهنگی میان ایران و اقلیم کردستان زمینه‌ساز نفوذ تهران در این اقلیم بوده است. این ارتباط حسنه تحت هر شرایطی می‌تواند ادامه پیدا کند و موجب پیشبرد دیپلماسی هوشمند ایران در منطقه باشد؛ زیرا نزدیکی ایران به حکومت اقلیم کردستان، زمینه‌ساز فرصت‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی برای تهران خواهد بود.

ج) مناسبات اقتصادی: یکی دیگر از محورهای قدرت نرم ایران در عراق بعد از سال 2003 که می‌توان از آن به عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی دیپلماسی هوشمند یاد کرد، در ارتباط با صادرات محصولات تجاری تهران به کشور عراق است. در این ارتباط باید گفت جمهوری اسلامی ایران و عراق در طول سال‌های گذشته به دلیل اختلافات سیاسی و سوء نیت حاکمان گذشته دو کشور هیچ‌گاه از سطح روابط تجاری مناسبی برخوردار نبوده‌اند و این مسئله بیشتر به زیان منافع ملی دو کشور بوده است؛ اما با بررسی روابط اقتصادی عراق با ایران در سال‌های بعد از 2003 یعنی بعد از سقوط حکومت صدام حسین، عرصه‌ای جدید برای نفوذ ایران در عراق در قالب تبادلات اقتصادی گشوده شد. این روند به گونه‌ای بود که با گذشت پنج سال، «ایران از طریق روابط دوجانبه با کشور عراق به بزرگ‌ترین شریک تجاری این کشور در منطقه تبدیل شد؛ چنانکه ایران و شرکت‌های دولتی برای بازسازی عراق، سرمایه‌گذاری‌های عظیمی را انجام دادند. گفته



می‌شود دولت ایران برای بازسازی طرح‌هایی در شهرهای مقدس عراق، هر ساله 20 میلیون دلار فراهم می‌کند تا زیرساخت‌های توریستی شهر را بهبود بخشد (صادقی و عسگرخانی، 1390: 940). در حوزه صادرات نیز، مبادلات اقتصادی دو کشور همواره روند صعودی را طی کرده است؛ چنان‌که حجم صادرات غیرنفتی ایران در سال 2014 (1393) به بیش از 6 میلیارد دلار رسید (سایت سازمان توسعه تجارت ایران: www.tpo.ir).

در حال حاضر نیز توافق‌نامه‌های متعددی در زمینه‌های نفت، ارتباطات، تولید برق، گمرکی، حمل و نقل و ترانزیت، راه آهن، استاندارد، همکاری‌های صنعتی و بیمه‌ای، سرمایه‌گذاری در تجارت و گردشگری بین مقامات عالی رتبه دو کشور به امضا رسیده است که طبق برآوردها می‌تواند سهم ایران از کل صادرات به کشور عراق را به حدود 20 درصد در سال 2017 برساند. این روند در سال‌های آینده و با توجه به نیاز این کشور به بازسازی می‌تواند بهبود یابد. در مجموع، مناسبات اقتصادی و صادرات کالاهای ایرانی به کشور عراق را می‌توان یکی از مهم‌ترین ابزارها و اهرم‌های دیپلماسی هوشمند کشورمان در کشور عراق دانست که در سال‌های آینده این ظرفیت به شکل اساسی وجود دارد و ممکن است صادرات سالانه ایران به عراق به مرز 30 میلیارد دلار برسد.

(د) میانجی‌گری میان اربیل- بغداد: یکی دیگر از محورهایی که در مبانی قدرت نرم ایران در کشور عراق از نگاه غالب تحلیل‌گران این حوزه مورد اغفال واقع شده در ارتباط با محوریت تهران در میانجی‌گری میان حکومت مرکزی عراق با حکومت اقلیم کردستان است. ایران در سال‌های بعد از 2003 و در گرانیگاه‌های حساس تاریخی این نقش مهم و کلیدی را ایفا کرده است. همین مسئله موجب شده در بحران‌های میان دو طرف، نقش تهران به شکل فزاینده‌ای اهمیت یابد و موجبات نفوذ بیشتر ایران را در عراق فراهم کند. بر این اساس، مقامات سیاسی ایران با توجه به ریشه‌های زبانی و تاریخی مشترک با کردها و هویت مذهبی

مشترک با اعراب سنی و بخشی از کردهای شیعه در طول سال‌های اخیر، همواره بر ضرورت حل منازعات میان اربیل و بغداد تأکید کرده‌اند. حتی در مراحل مختلف شاهد بوده‌ایم که ایران از ابزارهای دیپلماتیک خود برای نشست سران سیاسی اربیل و بغداد به یکدیگر بهره گرفته است. سفر مقامات و شخصیت‌های سیاسی اقلیم کردستان و شیعه در مقاطع مختلف، نشان از نقش ارتباطات عمیق هویتی ایران با این دو گروه دارد. دیدار سر کنسول ایران در اقلیم کردستان با مقامات کرد، سفرهای سیاسی و مشورتی رهبران کرد و شیعه به ایران و کمک‌های نظامی ایران به کردها و شیعیان در عرصه نبرد داعش از تلاش‌هایی بوده که بر اهمیت نقش ایران در تأثیرگذاری بر جناح‌های درگیر از جمله کردها افزوده است.

2-1-3. حضور مستشاری ایران در جنگ با داعش (قدرت سخت)

علاوه بر محورهای قدرت نرم ایران در کشور عراق، بهره‌گیری از قدرت سخت یا حضور نظامی یکی دیگر از ابعادی است که برای تکمیل دیپلماسی هوشمند ایران در این کشور ضروری به نظر می‌رسد. این عرصه به‌ویژه زمانی مجال عرضه اندام پیدا کرد که گروه تروریستی داعش موفق شد بیش از یک سوم سرزمین عراق را به کنترل خود درآورد (سلیمی و زرین‌نرگس، 26 خرداد 1393: دوهفته‌نامه دیار کهن). چنانکه کنترل موصل، دومین شهر بزرگ عراق توسط داعش در 10 ژوئن 2014 و متعاقب آن پیشروی داعش به سمت بغداد از یک سو و اربیل از سوی دیگر، کل مجموعه کشور عراق را با تهدید امنیتی جدی مواجه کرد. در آگوست همان سال نیز علاوه بر مناطق تحت کنترل حکومت مرکزی، داعش آماده حمله به کردستان عراق شد و مخمور را تصرف و اربیل را تهدید کرد. هر چند ایالات متحده با حملات هوایی، اربیل را حفظ کرد و سلاح‌هایی برای پیشمرگه‌ها تدارک دید، اما کردها خود را در مرزی به طول



1050 کیلومتر با داعش دیدند (L. Phillips, 2015: 4). همین مسئله موجب شد در شرایطی که اربیل و بغداد در خطر سقوط قرار داشتند خواهان حمایت و کمک ایران شوند. در این ارتباط، امیر عبداللہیان، معاون سابق عربی و آفریقایی وزارت امور خارجه ایران تأکید می‌کند: «جمهوری اسلامی ایران با درک درست از ماهیت گروه تروریستی داعش و اهداف حامیان آن، اولین کشوری بود که به درخواست کمک دولت عراق و مقام‌های اقلیم کردستان در مقابله با داعش پاسخ مثبت داد (عبداللہیان، 14 مرداد 1394).

بر این اساس از همان ابتدای بحران عراق، جمهوری اسلامی ایران با محوریت سپاه قدس، کمک‌های مستشاری به این کشور را در دستور کار خود قرار داد و باعث آزادسازی مناطق راهبردی عراق مانند «آمرلی» و «جرف الصخر» شد. طی این عملیات‌ها، چندین مشاور از صفوف حزب‌الله و سپاه پاسداران در خط مقدم عملیات جرف الصخر و آمرلی به عنوان فرمانده حضور داشتند (Abdul-Zahra & Vivian, 2014). علاوه بر این، در سطحی دیگر، نیروی قدس نقش بزرگی در ایجاد، مدیریت و بسط قدرت نیروهای حشدالشعبی به عنوان کلید پیروزی عراقی‌ها در برابر داعش داشت.

در مجموع بعد از ظهور داعش، بدون تردید نیروهای سپاه قدس نقش بی‌بدیلی را در روند عملیات مقابله با داعش ایفا کردند. در همین ارتباط، روزنامه نیویورک تایمز در گزارشی تصریح می‌کند: «این ایران بود که با سازماندهی (کمک‌های مستشاری) نیروهای مردمی در اوت 2014 توانست شهر «آمرلی» را از تصرف داعش خارج کند. این نیروی قدس ایران بود که نیروهای مردمی عراق و نیروهای امنیتی این کشور را حمایت (پشتیبانی مستشاری) کرد تا شهر «بیجی» را از اشغال داعش آزاد کنند. ایرانیان فرمانده نیروی قدس و مغز متفکر نظامی خود (سردار قاسم سلیمانی) را به عراق فرستادند؛ کسی که بسیاری از رهبران نظامی او را فرماندهی عالی و استراتژیک می‌دانند» (COOPER, 2015).

در مجموع با نظر به تمام این تفاسیر، مهم‌ترین ابعاد قدرت سخت ایران در کشور عراق را که دریچه‌ای مهم برای پیشبرد دیپلماسی هوشمند است، در سال‌های (2014-2016) یعنی پس از ظهور داعش می‌توان در شش مؤلفه زیر جمع‌بندی کرد:

1. حضور پررنگ در عراق در جهت جلوگیری از پیشروی داعش؛
2. تلاش برای حفاظت از اماکن مقدس عراق در مقابله با داعش؛
3. ارتباط بیشتر با اقلیم کردستان عراق در جهت جلوگیری از پیشروی داعش در اقلیم؛
4. سازماندهی نیروهای شبه نظامی و مردمی شیعی در عراق برای مقابله با داعش؛
5. انجام فعالیت مستشاری در ارتش عراق برای مقابله با داعش؛
6. تقویت حضور نظامی مستقیم در داخل خاک عراق در مجاورت مرزهای ایران (سنایی و کاویان‌پور، 1390).

به‌طور کلی می‌توان حضور نظامی و مستشاری نیروهای قدس سپاه ایران در کشور عراق در دوران بعد از ظهور داعش را به عنوان یکی از مهم‌ترین اساس پیشبرد دیپلماسی هوشمند ایران ارزیابی کرد. در واقع در این شرایط، ایران به این درک رسیده بود که تهران برای کمک به شریک منطقه‌ای خود و همچنین حفظ منافع خود در این کشور، علاوه بر بهره‌گیری از مؤلفه‌های قدرت نرم به شکل صریح از قدرت سخت و توان نظامی و مستشاری خود نیز بهره بگیرد.

2-3. دیپلماسی هوشمند ایران در سوریه

سوریه نیز مانند عراق طی سال‌های پس از 2011 به یکی از اصلی‌ترین حوزه‌های بحران در خاورمیانه و حتی جهان بدل شده که تحولات آن بر اثر موقعیت ژئوپلیتیک و استراتژیک این کشور برای رقبای منطقه‌ای و بین‌المللی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از این رو سوریه را می‌توان از نقاط ثقل توجه سیاست خارجی ایران به منظور حفظ اتحاد استراتژیک با حکومت آن از طریق حضور



تأثیرگذار در عرصه تحولات این کشور با استفاده از کاربرد دیپلماسی هوشمند در طول سالیان اخیر برشمرد. در ادامه به مهم‌ترین جنبه‌های به‌کارگیری دیپلماسی هوشمند در دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی نسبت به سوریه پرداخته می‌شود.

1-2-3. حلقه‌های قدرت نرم ایران در سوریه

فرصت‌های فرهنگی ایران در سوریه تا حدی با عراق متفاوت است؛ اما با این حال، پیشینه روابط نزدیک تهران-دمشق در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، همکاری سوریه با ایران در جنگ تحمیلی و کمک ایران به سوری‌ها در سال‌های پس از جنگ به‌ویژه در بحران و درگیری‌های سال‌های اخیر در سوریه فرصت مناسبی را برای ایران در جهت پیشبرد دیپلماسی عمومی در سوریه فراهم کرده است که از جمله آنها می‌توان به روابط تاریخی-تمدنی دو کشور، پیوندهای هویتی-ناسیونالیستی، حمایت از محور مقاومت و سفر زائران ایرانی به سوریه اشاره کرد.

الف) روابط تاریخی - تمدنی: ایران و سوریه به عنوان دو کشور ریشه‌دار و کهن به‌ویژه از زمان ورود اسلام دارای فرهنگ و تاریخی مشترک هستند؛ به نحوی که فرهنگ و تاریخ مشترک همواره از زمینه‌های همکاری نزدیک دو کشور بوده است. اگرچه روابط میان سوریه و جمهوری اسلامی ایران در طول تاریخ با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده، با این حال نقاط مشترک زیادی میان اهداف مدنظر رهبران این دو کشور وجود داشته که موجب حفظ روابط حسنه میان آنان شده و در حقیقت آنها را به متحدان راهبردی منطقه‌ای تبدیل کرده است؛ همچنان که در مقطع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، مقامات سوری با مشورت تهران خط لوله نفت عراق را که از سوریه عبور می‌کرد، مسدود کردند. آنها همچنین با ارسال تسلیحات نظامی ایران را در ادامه جنگ یاری کردند و در مقابل، جمهوری اسلامی ایران نیز همواره از مواضع سوریه در قبال رژیم اسرائیل

در سطح منطقه و جهان حمایت کرده که در این راه علاوه بر حمایت‌های سیاسی، با کمک‌های مالی و اقتصادی خود از جمله فروش نفت به زیر قیمت جهانی و کمک به ساخت زیرساخت‌ها، سوریه را مدد رساندند (الزعبی، 1384).

مضاف بر آنکه همکاری‌های رسانه‌ای دو کشور اعم از تبادل فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیونی نیز در نزدیکی فرهنگی ملت‌های آنها به یکدیگر بی‌تأثیر نبوده است.

به طور کلی، تاریخ مناسبات سیاسی ایران و سوریه که پس از انقلاب اسلامی به روابطی راهبردی تبدیل شد، بخشی از اتکای قدرت نرم ایران نسبت به مقوله حفظ سوریه بر مدار اتحاد و پیشبرد راهبرد منطقه‌ای آن بوده که با ظهور ناآرامی‌های سال 2011 تا کنون در این کشور توانسته این بعد از قدرت نرم جمهوری اسلامی در سوریه را با گسترش همکاری‌ها با دولت سوریه حفظ و تقویت کند، همچنان‌که حمایت رسانه‌ای گسترده ایران از مقاومت سوری‌ها در برابر جریان‌های تروریستی تکفیری و همچنین تأکید بر حفظ یکپارچگی و اتحاد مردم این کشور نشان از توجه ویژه ایران به مقوله قدرت نرم دارد.

ب) پیوند ناسیونالیسم عربی و هویت ایرانی اسلامی: افزایش قدرت علویان سوریه در دوران پس از استقلال سوریه در سال 1944 نقطه عطفی در روابط ایران و سوریه ایجاد کرد؛ در حالی که تا پیش از این، ایدئولوژی ناسیونالیسم عربی موجود باعث ناممکن شدن روابط دوجانبه بین اعراب و ایران شد که این امر، هم ناشی از تفاوت‌های مذهبی بین دو کشور بود و هم سلطه تفکر پان‌عربیستی. در واقع کشوری که تا مدت‌های مدیدی تحت سلطه پان‌عربیست‌ها بود پس از استقلال، وضعیت راهبردی بسار مناسبی برای جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرد تا بتواند با افزایش نفوذ خود در کشور سوریه خط اتصالی بین ناسیونالیسم عربی رقیق شده در سوریه و هویت ایرانی اسلامی ترسیم کند و در قالب استراتژی‌های منطقه‌ای و خاورمیانه‌ای بین این دو تفکر آشتی ایجاد کند. این امر با حمایت دولت سوریه که تحت اختیار علویان سکولار بود از حزب‌الله و حماس و همچنین حمایت از



گروه‌های ضد اسرائیلی تقویت شد (Prados&Sharp, 2005: 17); همچنان‌که برنامه‌های ایران برای حضور گسترده زائران ایرانی اماکن مقدسه شیعیان در سوریه به تقویت این روند و نزدیکی بیش از پیش علویان سوری و شیعیان ایرانی کمک بسزایی کرده است. این همان نکته‌ای است که می‌توان به کشور سوریه به‌عنوان نقطه تلاقی ایران اسلامی و ناسیونالیسم عربی موجود در سوریه توجه کرد. این وضعیت، خود را به‌وضوح در قالب رابطه با اسرائیل نشان می‌دهد و همین مسئله در درازمدت به‌عنوان مسئله‌ای امنیتی در راستای واقع‌گرایی بین‌المللی برای جمهوری اسلامی ایران مشخص می‌شود.

از منظر حکومت سوریه، جنگ با اسرائیل نبردی است که نمی‌توان یک شبه یا حتی طی یک نسل به آن پایان داد. این همان استراتژی حافظ اسد در برابر اسرائیل بود که اساساً دیواری را میان این دو کشور ترسیم می‌کند که منجر به صلح دائمی نمی‌شود. این همان سیاست است که ایران را در نزدیکی کشور سوریه قرار داده و منجر به خلق یک پیشینه پایداری بین این دو کشور شده است؛ حتی این نگاه ایدئولوژیک را می‌توان در بشار اسد جانشین او مشاهده کرد که باعث تحکیم روابط با ایران چه به لحاظ ایدئولوژیک و چه به لحاظ راهبردی شده است.

ج) همراهی در محور مقاومت: حضور و مشارکت سوریه در راهبرد منطقه‌ای ایران را که با عنوان محور مقاومت متشکل از خط اتصال نیروهای مخالف تجاوزگری اسرائیل در منطقه شامل حزب‌الله لبنان، سوریه، عراق و ایران نمایان شده است، باید در یک پروسه تاریخی حمایت از آرمان آزادی فلسطین و در راستای تخاصم چندین دهه‌ای این کشور با اسرائیل بازخوانی کرد که طی آن جمهوری اسلامی ایران توانست با حمایت‌های معنوی و مادی خود باعث ایجاد نزدیکی بیشتر دمشق-تهران شود و از این طریق بتواند با ایجاد رابطه پایدار با سوریه همزمان در دو جهت فعالیت کند؛ از یک طرف می‌توانست خط اتصالی

بین تهران و حزب الله ترسیم کند و از طرف دیگر مستقیماً به کنترل تحرکات اسرائیل در راستای حفظ امنیت خود پردازد (Shapira, 1988: 122). بر این اساس می‌توان اذعان کرد دیدگاه آرمان‌گرایانه انقلاب اسلامی به مسئله فلسطین و حمایت از گروه‌های مقاومت فلسطینی در طول دهه‌های گذشته عاملی برای بسط نفوذ منطقه‌ای ایران در عرصه تحولات خاورمیانه به‌ویژه پس از آغاز موج بیداری اسلامی در منطقه بوده است. بر همین مبنا ضروری است در آینده تحولات کشور سوریه نیز بر این بُعد از قدرت نرم همچنان تأکید شود.

2-2-3. حضور میدانی نیروهای سپاه قدس در بحران سوریه (قدرت سخت)

علاوه بر مؤلفه‌های نرم دیپلماسی هوشمند ایران در سوریه، بازوی قدرت نظامی یا سخت آن نیز در شرایط لازم به‌کار گرفته شده است. در این زمینه، مهم‌ترین کنش محسوس را می‌توان در ارتباط با حضور نیروهای سپاه قدس در کشور سوریه به‌ویژه پس از آغاز بحران داعش در این کشور ارزیابی کرد. به‌طور کلی، حضور و راهبرد نیروهای سپاه قدس در سوریه را می‌توان به دو دوره یا دو مرحله متفاوت تقسیم‌بندی کرد. در مرحله اول یعنی دوران پیش از بحران سوریه حضور سپاه قدس جمهوری اسلامی ایران در این کشور بیشتر مرتبط و در راستای تحولات لبنان و کمک‌رسانی به نیروهای این حزب بوده است؛ اما در مرحله دوم یعنی مرحله بعد از بحران سوریه، حضور نیروهای سپاه قدس در این کشور در قالب مستشاری و حتی در مواردی حضور مستقیم قابل تعریف است.

در این دوران، سپاه قدس نقش پررنگی در حمایت از ملت و دولت سوریه، محور مقاومت و همچنین مقابله با نیروهای تروریستی و تکفیری را برعهده داشته است؛ به طوری که جمهوری اسلامی ایران از همان ابتدای بحران سوریه، یکی از کشورهای اصلی در حمایت نظامی از دولت سوریه بود و نقش مهمی در مبارزه با تروریسم و گروه‌های تکفیری النصره و داعش ایفا کرد. در واقع، ایران



به عنوان تنها کشور اسلامی که به صورت قاطعانه بر حمایت از حق تعیین سرنوشت توسط مردم سوریه تأکید می‌کند، به‌طور جدی وارد بحران سوریه شد و از دولت قانونی این کشور حمایت کرد. در این خصوص و در حمایت از مقاومت و ملت سوریه، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، محمدعلی جعفری اظهار می‌کند: «با توجه به نیروی انسانی و حضور خود مردم آن کشور نیاز به دخالت نظامی مجموعه‌های دیگر نیست و ما فقط آموزش تجربی و نرم‌افزاری را در اختیار آنان قرار می‌دهیم و اثرش را بعد از این چند سال درگیری می‌بینیم (خبرگزاری خانه ملت، 5 فروردین 1395).

در نتیجه این روند، جمهوری اسلامی ایران از همان ابتدای بحران سوریه به درخواست کمک این دولت (در راستای توافق‌نامه همکاری‌های دفاعی 2006) و به منظور مبارزه با تروریسم، کارشناسان نظامی خود را در قالب مستشار نظامی به آن کشور اعزام کرد. این وظیفه برعهده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قرار داده شد و نیروهایی از نیروی قدس نیز راهی آن کشور شدند تا در مسائل نظامی راهنمای ارتش سوریه باشند (Seeberg, 2012). «شایان ذکر است که نقش سپاه در مسئله سوریه تا اندازه‌ای است که امروز نیروی قدس به عنوان بازوی اجرایی رهبری در حوزه سیاست خارجی در مسئله سوریه است؛ حتی فرمانده نیروی قدس، قاسم سلیمانی برای مذاکرات درباره مسئله سوریه به روسیه سفر کرد و برخی تحلیل‌گران داخلی و بین‌المللی علت ورود عملی روسیه به میدان جنگ در سوریه را نقش ویژه قاسم سلیمانی در این سفر می‌دانند (کیانی، 1395). بر این اساس می‌توان گفت بازیگر نیروی قدس در عملیات‌های ضد تروریسم (داعش) به حدی اهمیت داشت که به سرعت این نیرو را به محور عملیاتی طرح‌های ضد تروریستی در عرصه منطقه‌ای تبدیل کرد.

به‌طورکلی، حضور نظامی مستشاری و مستقیم ایران در بحران سوریه، بخش جدایی‌ناپذیر دیپلماسی هوشمند ایران برای حفظ و توسعه نفوذ منطقه‌ای خود

ماست. نتیجه این رویکرد جریان تحولات کشور سوریه بعد از سال 2016 تا کنون نیز به وضوح قابل مشاهده است. در واقع، پیروزی‌های میدانی و غلبه نیروهای حکومت مرکزی بر جریان‌های تروریستی، نشان‌دهنده صحت راهبرد ایران در بهره‌گیری از قدرت سخت است. بر این اساس ضروری است که در آینده، تحولات کشور سوریه نیز بهره‌گیری از حضور مستقیم نظامی و مستشاری همچنان تداوم داشته باشد؛ یعنی تداوم دیپلماسی هوشمند در سوریه پس‌اجرا.

نتیجه‌گیری

مقاله حاضر در پاسخ به این پرسش که کدام دیپلماسی، اهداف و منافع ایران در روند تحولات منطقه را محقق می‌کند، الگویی مبتنی بر دیپلماسی هوشمند را ارائه داده که براساس آن باید ترکیبی از قدرت سخت و نرم در سیاست خارجی ایران به‌ویژه در کشورهای عراق و سوریه و همچنین سایر مناطق از جمله یمن به‌کار گرفته شود؛ البته استفاده از این دیپلماسی رویکرد نوینی نبوده و همواره جمهوری اسلامی از دیرباز یک استراتژی امنیت ملی مختلط نرم و سخت را دنبال کرده که البته در آن همواره قدرت نرم را بر قدرت سخت اولویت داده است. این ارجحیت نیز به این دلیل است که رهبران ایران همواره به برتر بودن ابعاد اخلاقی، روحانی و روانی حکومت و استراتژی اعتقاد دارند. بر همین اساس نیز تصمیمات خارجی ایران برای پیشبرد منافع ملی خود در منطقه تأکید بیشتری بر قدرت نرم داشته است تا بر قدرت سخت.

با توجه به محوریت این رویکرد، برای تأیید و آزمون فرضیه، مفروض بر این اصل گذاشته شد که سیاست خارجی ایران در کشورهای عراق و سوریه در قالب دیپلماسی هوشمند قابل تعریف است. در همین راستا، محورهای قدرت نرم و سخت جمهوری اسلامی ایران در کشور عراق و سوریه مورد مطالعه قرار گرفت و نشان داده شد که راهبردهای ایران تا چه اندازه با موفقیت همراه بوده و در



آینده نیز چگونه باید به تداوم راهبردهای گذشته و پیشبرد آنها توجه شود. در مجموع، با نظر به تمام این تفاسیر در کلیت نوشتار می‌توان بر چهار یافته اساسی تأکید کرد:

1- ارائه هر الگویی برای پیشبرد سیاست خارجی ایران در منطقه باید براساس بر شناسایی اهداف و انگیزه‌های ایدئولوژیکی و استراتژیکی ایران در منطقه، روند تحولات منطقه‌ای و جهانی، تمایز دوست از دشمن، درک خطرات و تهدیدات و در نهایت چگونگی ابزارها و امکانات در دسترس ایران صورت گیرد. اهمیت این موضوع از آن جهت است که دیپلماسی هدف‌گذاری شده می‌تواند همزمان با هرگونه تحولی، قابلیت تغییر و به روز شدن را داشته باشد.

2- دیپلماسی هوشمند با توجه به وضعیت سیال قدرت در خاورمیانه و سطح گسترده تنش میان کشورهای مختلف مناسب‌ترین راهبرد در عرصه سیاست خارجی است؛ زیرا بهره‌گیری از قدرت نرم به تنهایی با توجه به بهره‌گیری دیگر بازیگران از قدرت سخت به‌طور حتم با شکست مواجه خواهد شد. از طرف دیگر، بهره‌گیری از قدرت سخت نیز به تنهایی نمی‌تواند منجر به پیروزی دائمی و بلندمدت در عرصه سیاست خارجی منجر شود؛ زیرا سطح متغیرها و بازیگران مداخله‌گر به اندازه‌ای است که هرگونه موفقیتی در عرصه میدانی به‌سرعت می‌تواند به عقب رانده شود.

3- اصول سیاست خارجی ایران که بر مبنای اصول انقلابی بنیاد نهاده شد و در پی صدور انقلاب بود و نظم موجود منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را به چالش فرا می‌خواند، با به‌کارگیری دیپلماسی هوشمند تا حدود زیادی انطباق دارد. به عبارت دیگر، اساس اصول سیاست خارجی ایران بر مبنای قدرت نرم طرح‌ریزی شده و اکنون با توجه به تحولات جدید منطقه خاورمیانه و حضور دشمنان ایران در منطقه به شکل محسوس، این ضرورت ایجاد شده که برای افزایش و حفظ نفوذ در منطقه، تهران از قدرت سخت نیز در کنار قدرت دیپلماسی عمومی خود بهره

بگیرد. به طور بنیادی، ترکیب این دو مؤلفه کاملاً منطبق با اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در حوزه استکبارستیزی و حفظ استقلال کشور است.

4- ایران در کشور عراق از سال 2003 تا کنون، الگویی موفق از دیپلماسی هوشمند را به کار گرفته است. از یک سو با توجه به دو مؤلفه شیعه‌گری و ایرانی‌توانسته دو قشر مهم حاضر در جامعه سیاسی عراق یعنی شیعیان عراق و کردها را به سمت خود بکشاند و مناسبات بسیار نزدیکی با آنها برقرار کند و در سطح دیگر، تهران با بهره‌گیری از مناسبات اقتصادی و صادرات کالاهای ایرانی به یکی از مهم‌ترین قدرت‌های حاضر در بازار اقتصاد عراق تبدیل شده است. علاوه بر مؤلفه‌های قدرت نرم ایران در عراق به‌ویژه پس از ظهور داعش به واسطه حضور نیروهای سپاه قدس، حضور مستشاری چشم‌گیری داشته و این بُعد از قدرت ایران یعنی قدرت سخت با همراهی مؤلفه‌های قدرت نرم، موجبات نفوذ چشم‌گیر تهران در این کشور را ایجاد کرده است.

5- مهم‌ترین بُعد نفوذ ایران در سوریه در سال‌های قبل از وقوع بحران این کشور در سال 2011 در ارتباط با همکاری و نفوذ ایران در برای مقابله با رژیم صهیونیستی در سوریه بوده است. در واقع، سوریه مانند حلقه واسط برای ارتباط تهران با جریان‌های مقاومت در سرزمین‌های اشغالی و لبنان عمل کرده است؛ اما در سال‌های بعد از 2011 و پس از وقوع بحران در این کشور که منجر به ظهور نیروهای تروریستی و مداخله کشورهای بیگانه در این کشور شد، جمهوری اسلامی ایران علاوه بر بهره‌گیری از ابزار قدرت نرم، مؤلفه قدرت سخت یعنی حضور نظامی و مستشاری را در کنار دولت قانونی بشار اسد مورد توجه جدی قرار داد که همین موضوع موجب موفقیت در دیپلماسی هوشمند ایران در این کشور شده است.

6- در یک نگاه کلی، جمهوری اسلامی ایران به‌رغم برخورداری و استفاده بهینه از ابزارهای قدرت نرم خود، همچنان در شناسایی و بهره‌گیری کامل از این ابزار در



پیشبرد سیاست خارجی مطلوب خود در منطقه فاصله دارد. همین کمبود نیز باعث شده ایران در برخی حوزه‌های پیرامونی خود چون پاکستان یا افغانستان و حتی کشورهای حوزه آسیای مرکزی و قفقاز نتواند نتیجه مطلوبی را کسب کند.

7- هیچ دیپلماسی حتی در شرایط طبیعی نمی‌تواند صددرصد موفق باشد. مضاف بر آنکه جمهوری اسلامی ایران همواره با تهدیدهای خارجی از طرف ایالات متحده، اسرائیل، عربستان سعودی و ... مواجه بوده و بخش زیادی از امکانات و توانمندی‌های سیاست خارجی خود را صرف مقابله با این خطرات کرده است؛ اما در مجموع سطح بازیگری ایران در حوزه‌های مختلف منطقه، نشان از موفقیت دیپلماسی هوشمند در تحقق منافع ایران در منطقه از جمله در عراق، سوریه، یمن، لبنان و ... دارد.



منابع و مأخذ

منابع فارسی

- احمدی، حمید (1378)، قومیت و قوم‌گرایی در ایران، تهران: نشر نی.
- اشرف، احمد (1383)، «بحران هویت ملی و قومی در ایران»، مندرج در: ایران: هویت، ملیت، قومیت، به کوشش حمید احمدی، تهران: انتشارات مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- الزعبی، خیام (1384)، تجزیه و تحلیل روابط سیاسی سوریه و ایران 2004-1979، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان.
- سنایی، اردشیر و مونا کاویان‌پور (1395)، ظهور داعش و تأثیر آن بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، شماره 34.
- سلیمی، آرمان و یحیی زرین‌نرگس، بحران داعش و سناریوهای پیش‌روی حکومت اقلیم کردستان عراق، دوهفته‌نامه دیارکهن، 26 خرداد 1393، شماره 72.
- صادقی، سعید و ابومحمد عسگرخانی (1390)، بررسی عملکرد قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در عراق جدید، فصلنامه سیاست خارجی، شماره 99.
- عبداللهیان، امیر، ایران اولین کشور کمک‌کننده به دولت عراق و اقلیم کردستان در مقابله با داعش بود، خبرگزاری میزان، 14 مرداد 1394، دسترسی در: <http://www.shahrekhabar.com/political/1438785360536162>
- قاسمی، فرهاد، رهیافتی نظری بر دیپلماسی منطقه‌ای: واحدهای تجدیدنظرطلب در گذار چرخه سیستمی قدرت، فصلنامه روابط خارجی، سال چهارم، شماره چهارم، زمستان 1391.
- قربانی شیخ‌نشین، ارسلان و کامران کرمی و هادی عباس‌زاده، قدرت هوشمند؛ تحول نوین قدرت در عصر جهانی شدن، روابط خارجی، شماره 12، زمستان 1390.
- کبریایی‌زاده، حسین، قدرت هوشمند جمهوری اسلامی ایران و انقلاب‌های خاورمیانه، ماه‌نامه روابط فرهنگی، سال نخست، شماره 4، دی 1390.
- کیانی، مهرباب (1395)، سپاه پاسداران نقش‌آفرین میدان نبرد سوریه، پایگاه بصیرت، دسترسی در: <http://basirat.ir/fa/news/292266/>
- مورگنتا، هانس. جی (1374)، سیاست میان‌ملت‌ها: تلاش در راه قدرت و صلح، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

سایت‌ها

- خبرگزاری خانه ملت، ایران مستشار دموکراتیک در جنگ سوریه با تروریسم، خبرگزاری خانه ملت، 5 فروردین 1395، دسترسی در: <http://www.icana.ir/Fa/News/295577>



منابع انگلیسی

- Abdul-Zahra, Qassim und Vivian, Salama (2014), Geheimnisvolle Figur Dieser General treibt IS vor sich her, at: http://www.t-online.de/nachrichten/ausland/krise/id_71699822/iranischer-general-ghasem-soleimani-treibt-is-vor-sich-her.html
- CBS News, (March 20, 2012), Khamenei: Iran Will Strike Back if Attacked, at: http://www.cbsnews.com/8301-202_162-57400874/khamenei-iran-will-strike-back-if-attacked; Speech by Supreme Leader Ayatollah Ali Khamenei at the Imam Ali Military Academy, October 11, 2011, http://english.khamenei.ir/index.php?option=om_content&task=view&id=1558&Itemid=4.
- COOPER HELENE (2015), U.S. Strategy in Iraq Increasingly Relies on Iran, at: <https://www.nytimes.com/2015/03/06/world/middleeast/us-strategy-in-iraq-increasingly-relies-on-iran.html>
- Haynes, J, (2009), Causes and Consequences of Transnational Religious Soft Power, London Metropolitan University .
- L. Phillips, David (2015), Task Force Report State-Building In Iraqi Kurdistan, Institute for the Study of Human Rights, Columbia University, New York, NY 10027.
- Prados, A & Sharp, (2005), Syria: political conditions&Relations with the United State after the Iraq War, Congressional Research Service, CRS Report for Congress.
- Seeberg, P. (2012), Syria and the EU. The crisis in Syria and the international sanctions with a focus on Syrian-EU relations, VidenscenteromdetmoderneMellemøsten
- Shapira.S(1988), The Origins of Hizballah, In the Jerusalem Quarterly: No: 46.

منابع کردی

- عه‌بدوللا حه‌مه که‌ریم، ه‌ثرش (2013)، په‌یوه‌ندییه‌ سیاسییه‌کانی ن‌ئوان ه‌ه‌رئمی کوردستان و ده‌له‌تانی دراوسی ئیران و تورکیا و سوریا، سلثمانی: ناوه‌ندی روشنبیری و ه‌ونه‌ریی ئه‌ندیسه‌.

